



فصل پنجم

مدل مدیریتی

یاران تکلیف گرای

امام حسین علیه السلام

مدل مدیریتی:

در این روش سخنران ابتدا وضع موجود و سپس وضع مطلوب را شناسایی می‌کند و در نهایت، فرایند حرکت از وضع موجود به سوی وضعیت مطلوب را بر اساس آیات و روایات برنامه‌ریزی و هدایت می‌کند.

عنوان: یاران تکلیف‌گرای امام حسین ﷺ

اهمیت طرح موضوع:

- هر جا حقی باشد، تکلیفی وجود دارد.
- اگر کسی می‌خواهد از امتیاز داشتن خانواده استفاده کند، می‌بایست تکالیفی در خانواده به عهده بگیرد.
- اگر کسی بخواهد از خوبی‌های داشتن یک گروه ورزشی بهره‌برد، باید نسبت به گروه ورزشی‌اش متعهد باشد و تکالیفش را انجام دهد.
- وقتی انسان می‌خواهد از سلامتی جسم برخوردار باشد،

وظایفی را بر خود واجب می‌کند تا مریض نشود.
 - و اگر کسی بخواهد از خوبی‌ها و امتیازهای ایمان به خدا، دریافت حمایت‌های الهی، آرامش، امنیت و ... در بالاترین سطح بهره‌مند شود، باید نسبت به خداوند تکالیفی انجام دهد و رضایت پروردگار را به دست بیاورد.^۱
 بر اساس این مقدمه می‌توان انسان‌ها را به دو گروه تقسیم کرد: انسان‌ها یا تکلیف‌گرا هستند یا تکلیف‌گریز.
 بر همین اساس، ابتدا فرمولی را که هر یک از گروه‌ها، از آن بهره می‌برند بیان و نتیجه عملکرد هر یک را بررسی می‌کنیم و در نهایت راه رسیدن به نتیجه مطلوب را بر اساس معارف دین متذکر می‌شویم.

ویژگی‌های جامعه تکلیف‌گرا:

در جامعه مطلوب، اصولی وجود دارد که انسان برای رسیدن به مقصد می‌بایست به آن پایبند باشد:

الف) اصل وجود تکلیف

وقتی انسان گرسنه به دنبال غذای گردد، اگر بتواند چلوکباب می‌خورد، نتوانست چلوکباب بخورد، ساندویچ می‌خرد و اگر باز نتوانست، تکه نان خشکی پیدا می‌کند و می‌خورد و هیچ وقت به خودش نمی‌گوید: حال که نمی‌توانی چلوکباب بخوری پس گرسنه بمان!

در بحث تکلیف نیز همین مسئله مطرح است. مثلاً اگر کسی

نتواند در امر به معروف و نهی از منکر اقدام عملی انجام دهد، باید زبانی تکلیفش را انجام دهد و اگر شرایط آن قدر بد بود که نمی توانست حتی زبانی ابراز انزجار از منکر کند (مانند اسرای دفاع مقدس که در شرایط بسیار سخت، از بیم جان نمی توانستند در برابر منکر حتی زبانی امر به معروف و نهی از منکر کنند) باز تکلیف از او برداشته نیست و باید در دلش از بدی، بدش بیاید و خوبی ها را دوست بدارد.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَيْدِيكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا
بِأَلْسِنَتِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِقُلُوبِكُمْ»^۲

در راه خدا به صورت عملی جهاد کنید و اگر نتوانستید با
زبانتان اقدام کنید و اگر نتوانستید، بادل هایتان جهاد کنید.

بنابراین، تکلیف دارای شرایطی است. مانند: عقل و اختیار، بلوغ و قدرت. انسان مکلف، بر اساس آیات شریفه قرآن^۳ به هر اندازه که قدرت دارد، تکلیف دارد. مثلاً کسی که نمی تواند نماز را ایستاده بخواند، نماز را نشسته می خواند و کسی که نمی تواند نشسته بخواند، خوابیده می خواند.

متأسفانه در جامعه دینی آسیبی وجود دارد که می گوید وقتی قدرت برای انجام تکلیف کامل را نداری، دیگر مکلف نیستی و تکلیف از دوشت برداشته می شود؛ در حالی که اگر انسان نتواند تکلیف کامل را انجام دهد، باز به اندازه ای که قدرت دارد، مکلف است و تکلیف از دوشش برداشته نمی شود.

انسان تکلیف گرا، همیشه خود را موظف به انجام تکلیف می داند

و زمانی نیست که خود را راها ببیند. قرآن کریم به همه مسلمانان توصیه می‌کند: اگر من بخواهم به شما فقط یک توصیه بکنم که جامع همه خوبی‌ها باشد می‌گویم: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَتُومُوا اللَّهَ مَثْنً وَفُرَادً»؛^۴ بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید.» حضرت امام خمینی در سال ۱۳۲۳ (ش. ۵) در صدر اولین بیانیه‌ای که بر ضد نظام پهلوی صادر می‌کنند، این آیه شریفه را می‌نویسند و بدین وسیله نقطه آسیب جامعه را به اطلاع همه می‌رسانند و تکلیف‌گرایی را به عموم مردم یادآور می‌شوند.^۵ این در حالی بود که نظام ظالم پهلوی در اوج قدرت بود و به مخیله کسی خطور نمی‌کرد که این اندرز الهی^۶ بتواند به ظهور قدرت ولایی و الهی جمهوری اسلامی ختم شود.

این همان درسی است که امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه از امام سجاد (علیه السلام) آموخته‌اند که در شدت تهدید و تحریم و در هر شرایطی برای خود تکلیفی را مسلم می‌دانستند. از آن جمله می‌توان به خطبه‌های حضرت در کوفه و شام^۷ و انجام وظیفه هدایت مردم، در زمان خفقان شدید، بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) اشاره کرد.

لذا در جامعه مطلوب، اصل وجود تکلیف برای همه کسانی که شرایط تکلیف را دارند، در بعد شخصی و اجتماعی، امری مسلم است و کسی خود را تماشاچی و بی تفاوت نمی‌داند.

ب) تشخیص نوع تکلیف

در جامعه مطلوب و تکلیف‌گرا، مردم علاوه بر اینکه خود را درباره

اصل تکلیف، مسئول می دانند، در مورد تشخیص نوع تکلیف نیز، خود را با دین تطبیق می دهند.

شهید آوینی در مورد این مسئله جمله ی دقیق و ظریفی دارد: آنجا که حسین علیه السلام در صحنه است اگر در صحنه نباشی، هر کجا می خواهی باش چه ایستاده بر سجاده نماز و چه نشسته بر سفره شراب هر دو یکی است.

یعنی در هر مرحله از اتفاقات و تحولات باید بدانیم، چگونه و چطور و در چه زمانی دست به اقدام بزنیم. شهید چمران، کسی است که بر اساس تکلیف دینی، اولویت را درس خواندن می بیند و با تمام وجود درس می خواند و بالاترین نمرات از دانشگاه کالیفرنیا ی آمریکا فارغ التحصیل گردید. بعد بر حسب وظیفه به فرا گرفتن آموزش های نظامی پرداخت و در لبنان بر اساس شرایط موجود و آینده نگری که داشت، در تیم خانه به تربیت نیروهای آینده حزب الله اقدام کرد. شهید چمران با فهم دقیق از تکلیف و تشخیص تکلیف در هر زمان، به خوبی به وظیفه اش عمل نمود.

سعد بن عبیده می گوید: روز عاشورا و گرما گرم نبرد، برخی از شیوخ کوفه را دیدم که بر تپه ای رفته، می گریستند و از خدا می خواستند که حسین علیه السلام رایاری کند! به آنان گفتم: ای دشمنان خدا، به جای دعا، بروید او را یاری کنید.^۸

یعنی آن ها می دانستند که می بایست به فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله کمک کنند، اما نمی دانستند باید چه کار کنند. افرادی مانند سلیمان بن صرد خزائی و عده زیادی از توابعین که بعد از

شهادت امام حسین (علیه السلام)، از کرده خود پشیمان شده بودند، زمانی که حضرت در گودی قتلگاه است، می دانستند باید ولی خدا را یاری کنند ولی نمی دانستند چه وظیفه ای دارند و برای همین در کوفه ماندند.

قطعاً در جامعه مطلوب که در تشخیص تکلیف و تعیین اولویت ها نمره قبولی می گیرند، نقش قرآن و اهل بیت: بسیار پررنگ و برجسته خواهد بود.

«فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».

طرماح محب اهل بیت: در تشخیص نوع تکلیف دچار اشتباه شد.

«النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم»
«ان كنتم تحبون الله فاتبعوني...»

ج) لوازم انجام تکلیف

وقتی کسی بیش از دو دهه عمر و جوانی و پولش را صرف تحصیل دانش و گرفتن مدرک تحصیلی می کند، به هیچ وجه احساس خسارت نمی کند و این کار را عاقلانه می داند؛ زیرا چیزی به دست می آورد که ارزش این همه هزینه را دارد. انسان های عاقل برای به دست آوردن هر چیز ارزشمند، هزینه اش را می پردازند و برایش تلاش می کنند.

امام حسین (علیه السلام) به ما آموختند که عمل به تکلیف و جلب رضایت حضرت باری تعالی، آن قدر مهم و ارزشمند است که هر چه دارد

برای خدا هزینه می کند و به جایی می رسد که مصداق این فراز
مناجات شعبانیه می شود:

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ؛^۹

خدایا! انقطاع کامل به سوی خود را به من عنایت کن.

ایشان می فرمایند:

«أما والله إني لأرجو أن يكون خيرا ما أراد الله بنا قتلنا أم ظفرنا؛»^{۱۰}

به خدا قسم امیدوارم آنچه خداوند برایمان در نظر گرفته خیر
باشد، چه کشته شویم و چه به پیروزی برسیم!»

قرآن کریم در مورد هزینه های بندگی و انجام تکلیف می فرماید:

«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ
وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا
أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى
يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛»^{۱۱}

بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما
و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کساد شدنش
می ترسید و خانه هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از
خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب تر است، در
انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند و خداوند
جمعیت نافرمان را هدایت نمی کند!»

قرآن به این نکته اشاره می کند که اگر نزد شما محبوب هایتان
ارزشمندتر از محبت و ولایت خدا و رسول خدا ﷺ باشد، باید
منتظر قهر خداوند باشید.

حضرت اباعبدالله علیه السلام، زمانی که می خواهند از مکه خارج شوند

بار دیگر با مردم اتمام حجت می کنند و می گویند هر کس حاضر است برای یاری دین خدا با من همراه شود، بیاید:

«مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسُهُ

فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحاً إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.»^{۱۳}

عاشقان کوی او را خانه و کاشانه نیست

مرغ بال و پر شکسته، فکر باغ و لانه نیست

گراسیر روی او بی نیست شو، پروانه شو

پایبند ملک هستی، در خور پروانه نیست^{۱۳}

بنابراین برای به دست آوردن رضای حضرت حق، نیاز است تا

از محبوب های خود برای انجام تکلیف هزینه کنیم. چنانچه

شهدا با اقتدا به اربابشان، از همه چیزشان گذشتند.^{۱۴}

د) برنامه ریزی و توکل

امام حسین (علیه السلام) برای پیروزی بردشمن وارد میدان جهاد شدند و

تمام اقداماتی که برای پیروزی می بایست انجام دهند، از قبیل:

- آمادگی و نظم نیروها؛

- تدبیر جنگی در چینش خیمه ها، کندن خندق و ...

- برنامه ریزی برای استفاده از منابع؛

- نصیحت و موعظه افرادی که با ایشان در طول مسیر برخورد

می کردند و نصیحت فرمانده هان و لشگریان دشمن؛

- استفاده از نمادهای مقدس برای تأثیر بیشتر خطابه ها، مانند

عمامه و شمشیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به احسن وجه انجام دادند.

در جامعه مطلوب اسلامی نیز برای انجام تکلیف و رسیدن به

نتیجه، برنامه ریزی دقیق انجام می شود و طبق هدایت قرآن

کریم^{۱۵} به خدا توکل می شود و نتیجه به او واگذار می گردد.
 «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»^{۱۶}

بگو هیچ حادثه ای برای ما رخ نمی دهد، مگر آنچه خداوند برای ما نوشته و مقرر داشته است او مولا (و سرپرست) ماست و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند!

ویژگی های جامعه تکلیف گریز

جامعه ای که مردم از تکالیف و مسئولیت هایی که دارند، شانه خالی می کنند، دچار مشکلات و آسیب هایی می شود که هم زندگی شخصی و هم زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد. این چنین جامعه ای دارای ویژگی های ذیل است:

الف) اصل تکلیف را مسلم نمی داند

متأسفانه برخی مردم از امنیت بهره می برند ولی خود را نسبت به ایجاد، حفظ و ارتقاء آن مسئول نمی دانند. نسبت به سلامت و بهداشت حساس اند و از کثیفی و آلودگی گریزانند ولی خود را مسئول نظافت شهر، روستا، هیئت و... نمی دانند. چه بسیارند کسانی که با دیدن صحنه های فقر و محرومیت دادشان به هوا می رود ولی برای از بین بردنش قدمی بر نمی دارند و عجب از کسانی که انتظار زندگی عزتمند و مقتدر دارند ولی از تولید داخل کشورشان که دسترنج جوانانشان است، استفاده نمی کنند و با خرید کالاهای خارجی جیب کمپانی های اجنبی را پر می کنند و

عجیب تر آنکه انتظار داشتن کشور و جامعه‌ای شاداب و مرفعی دارد، ولی برای ازدیاد نسل و تربیت انسان‌های تربیت شده، قدم بر نمی‌دارد و شعار زندگی راحت با فرزند کمتر را سرمی‌دهد.

در همه این موارد، چیزی که مشترک است این است که عده‌ای از مردم اصلاً برای خود نقش و مسئولیتی قائل نیستند و خود را مصرف‌کننده صرف خدمات دیگران می‌دانند و به نوعی از همه طلبکارند؛ در حالی که در زندگی شخصی برای خودشان شرایطی را فراهم می‌کنند که بهترین‌ها را داشته باشند.

در زمان امام حسین (علیه السلام) نیز این مشکل از جمله مشکلات عمده جامعه مسلمین به شمار می‌رفت. وجود نازنین اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در جمع خواص مسلمین در سرزمین عرفات، چنین می‌فرمایند:

«وَقَدْ تَرَوْنَ عَهْدَ اللَّهِ مَنْقُوضَةً فَلَا تَفْرَعُونَ وَأَنْتُمْ لِبَعْضِ ذِمِّمِ آبَائِكُمْ تَفْرَعُونَ»^{۱۷}

شما می‌بینید که عهد الهی شکسته شده است و هیچ واکنشی انجام نمی‌دهید و در حالی که شما در مورد منافع قبیله‌ای و عشیره‌ای‌تان، حساسید و سریع اقدام می‌کنید!

در واقع بابیان شیوای حضرت می‌توان فهمید که حتی خواص جامعه زمان امام حسین (علیه السلام) اگرچه زبان‌شان به نام دین همیشه گویا بود و آبروی خود در میان مردم را هم از دین داشتند- به جایی رسیده بودند که اصل وجود تکلیف نسبت به دین را در عمل از یاد برده بودند.

ب) در تشخیص تکلیف، اولویت‌ها را رعایت نمی‌کند
مسئله‌ی دیگر جامعه‌ی تکلیف‌گریز، این است که برخی از افراد

وجود تکلیف را اجمالاً قبول دارند ولی خودشان با سلیقه شخصی از میان تکالیف، موردی را که با خواسته‌ها و منافع‌شان سازگار باشد، انتخاب می‌کنند و به آن عمل می‌نمایند. این مشکل به چند مورد قابل تقسیم است:

۱. تشخیص اولویت بین دو امر واجب

طرماح نسبت به امام معرفت خوبی داشت و خیرخواه صادقی برای امام علیه السلام بود تا آن جا که چند بار مورد دعای آن حضرت واقع شد، اما رساندن آذوقه به خانواده و ترجیح دادن آنان به یاری امام علیه السلام و اولویت بخشی آنان در رفع گرفتاری‌شان، او را از فیض یاری امام معصوم علیه السلام محروم کرد. اوزمانی که به «عذیب هجانات» رسید خبر شهادت امام را از سماعه بن بدر شنید.^{۱۸} باز به عنوان نمونه:

کسانی بودند که در جنگ تحمیلی شرکت نکردند و از امر واجب اطاعت نکردند و دلیل‌شان این بود که امر پدر و مادر واجب است و آن‌ها مخالف حضورشان در جبهه اند! در حالی که اولویت بین دو واجب، وجوب جهاد، امر ولی مسلمین و حفظ دین است.^{۱۹}

۲. تشخیص اولویت بین واجب و مستحب

چه بسیارند کسانی که نمی‌توانند اولویت عمل بین واجب و مستحب را به خوبی تشخیص دهند. هستند کسانی که بدهکارند و اموال مردم را باید به آن‌ها برگردانند ولی به سفر زیارتی مشهد می‌روند! «به خانواده‌اش گفته بود دوست دارم بروم مشهد، زیارت امام

رضا علیه‌السلام، کم‌کم مقدمات سفرش را فراهم می‌کرد که خبرهایی از مناطق عملیاتی به گوشش رسید. در جواب پدر و مادرش که می‌گفتند چرا از مشهد رفتن و زیارت منصرف شدی، گفت: الآن جبهه رفتن برای من واجب است و رفتن به زیارت امام رضا علیه‌السلام، مستحب. امام فرموده باید بروم جبهه. خبر شهادت محمد حسین تراییان را به خانواده‌اش دادند و گفتند فلان روز شهیدتان را می‌آورند. وقتی صورت شهید را دیدند، گفتند اینکه محمد حسین نیست! پیگیر شدند، فهمیدند، جنازه را اشتباهی بردند مشهد. کسی که به وظیفه‌اش عمل کند خدا خودش بهترین پاداش‌ها را به او می‌دهد.»

متأسفانه چه بسیارند کسانی که به هر دلیلی تانیمه‌های شب را به عزاداری یا شب‌نشینی می‌گذرانند، ولی نماز صبحشان قضا می‌شود. در حالی که نماز واجب است و عزاداری که از بالاترین و بهترین مستحبات است، مستحب.

۳. تشخیص اولویت بین مستحب و مستحب‌تر

نذری دادن مستحب است؛ اما گاهی در یک محله یا یک خیابان آن قدر نذری می‌دهند که انسان احساس می‌کند، بخور بخور است به جای تعظیم شعائر و عزاداری! درست است که نذری دادن خوب است، اما چه بهتر بود وقتی دیگران نذری می‌دهند، ما هزینه را در مسیر دیگری خرج کنیم (مثلاً برای فقرای محل یا مخارج فرهنگی و...) نه اینکه خدای ناکرده به خاطر چشم و هم‌چشمی، ما هم به آن اصرار ورزیم.

درست است که خواندن نماز اول وقت، مستحب است ولی قطعاً در نگاه اهل بیت: ارزشش از سینه زنی و عزاداری بیشتر است. چه خوب است هر زمان که صدای اذان شنیده می شود، عزاداران به احترام نماز اول وقت و جماعت، نماز را مقدم دارند و به امام حسین ﷺ اقتدا کنند.

دوره انتقال

کسی که برای رسیدن به مقصد معینی، قصد سفر دارد، نیاز دارد تا با توجه به طولانی بودن سفر، شرایط راه و سختی های مسیر، مواردی را قبل از سفر انجام دهد. تهیه ملزومات سفر جزو تکالیف هر مسافری است و متناسب با نوع و شرایط سفر متغیر است. در مورد سفر انسان در جاده ی دنیا نیز همین مسئله وجود دارد. کسی که مقصد و هدفی تعیین نکرده است و چیزی در مورد شرایط و موقعیت مسیر نمی داند، قطعاً در مورد تکالیفی که قبل از سفر می بایست انجام دهد، سردرگم و پراشتباه خواهد بود. بنابراین کسانی که تکلیفی احساس نمی کنند یا نمی دانند بین تکالیف چگونه اولویت بندی کنند یا هدف معینی در زندگی ندارند یا از شرایط و وظایفی که در این مسیر دارند بی اطلاع اند، می بایست همان گونه که پیامبر اسلام ﷺ فرمودند، به ریسمان قرآن و عترت چنگ زنید و هر چه این راهنمایان راستین و آگاه دستور دادند عمل کنند. قرآن و عترت مانند راهنما و بلد راه هستند که با آگاهی کامل از مقصد و مسیر و ما می توانند بهترین تکالیف را در هر زمان و در هر شرایطی به ما معرفی کنند. قرآن کریم به

بهترین وجه این نکته را به ما یادآوری می کند، می فرماید: «الَّتِي
أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»^{۲۰}

فهم و دستور رسول خدا ﷺ و عترت پاکش، از هر کس دیگری
بهتر و بالاتر است و هر که می خواهد به این گنجینه تضمین شده^{۲۱}
الهی راه یابد، می بایست زانوی ادب بزند و گوش جان بسپارد
و حکمت و معرفت نوش کند. امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه
کبیره گوشه ای از مقامات بی نظیر ذوات مقدس اهل بیت را
بیان فرموده اند که قسمتی از آن را از باب تبرک و تیمن می آوریم:
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ
الْمَلَائِكَةِ وَمَهَيْطِ الْوَحْيِ وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَخُزَّانِ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى
الْجَلَمِ وَأَصُولِ الْكَرَمِ وَقَادَةَ الْأُمَمِ وَأَوْلِيَاءِ النِّعَمِ وَعَنَاصِرَ الْأَكْبَارِ
وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ وَسَاسَةَ الْعِبَادِ وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ
وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَعِثْرَةَ خَيْرَةِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ»^{۲۲}

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و جایگاه رسالت و عرصه
رفت و آمد فرشتگان و مرکز فرود آمدن وحی و معدن رحمت
و خزانه داران بهشت و نهایت بردباری و ریشه های کرم و
رهبران امت ها و سرپرستان نعمت ها و بنیادهای نیکان و
استوانه های خوبان و رهبران سیاسی بندگان و پایه های
کشورها و درهای ایمان و امینان خدای رحمان و چکیده
پیامبران و برگزیده رسولان و عترت بهترین گزیده پروردگار
جهانیان و رحمت و برکات خدا بر آنان باد.»

خلاصه:

وضع مطلوب در جامعه تکلیف گرا:

- (الف) اصل وجود تکلیف را مسلم می دانند .
- (ب) در تشخیص نوع و اولویت تکلیف درست عمل می کنند .
- (ج) لوازم و هزینه های مورد نیاز تکلیف را مهیا می کنند .
- (د) برای انجام تکلیف برنامه ریزی و در انتها توکل می کنند .

وضع موجود برخی جوامع مسلمان:

- (الف) اصل وجود تکلیف را برای خود مسلم نمی دانند
- (ب) در تشخیص نوع و اولویت تکلیف دچار اشتباه می شوند .
- (ج) حاضر به پرداخت هزینه های تکلیف نیستند .
- (د) در برنامه ریزی نیز منظم و مقید نیستند .

دوره انتقال:

کسی که به اصل تکلیف یا تشخیص وظیفه اش، ملزم نیست درواقع هدف ندارد و راه رسیدن به هدف را درست تشخیص نداده است؛ بنابراین می بایست در این دو مسئله با تفکر و مطالعه به نتیجه برسد .



۱. فرقی که بین این مثال و مثال‌های دیگر وجود دارد این است که در اینجا، تکالیف، موهبت و خیری از طرف خداست و خدا به هیچ‌یک از تکالیف ما احتیاج ندارد.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام - قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۵ق.
۳. بقره، ۲۸۶ و طلاق، ۷.
۴. سیأ، ۴۶.
۵. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۱.
۶. قَالَ إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفَرَادَى. سیأ، ۴۶.
۷. اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه فهری، النص، ص ۱.
۸. عبرت‌های عاشورا (آیت الله سید احمد خاتمی) ص ۱- ۱۹ [تاریخ طبری ج ۵، ص ۳۹۶ و ۳۹۷].
۹. إقبال الأعمال (ط - القديمة) / ج ۲ / ۶۸۷ / فصل فيما تذكره من [عن] الدعاء في شعبان مروي عن ابن خالويه ص ۶۸۵.
۱۰. وقعة الطف، ص ۱۷۴.
۱۱. توبه، ۲۴.
۱۲. اللهوف علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری / النص / ۶۱ / المسلك الأول في الأمور المتقدمة على القتال.
۱۳. دیوان غزلیات، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه.
۱۴. خاطرات شهدا در این زمینه بسیار مفید، تأثیرگذار و جذاب است و توصیه اکید می‌شود که در منابر از این گنجینه ارزشمند حداکثر استفاده بشود.
۱۵. فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ. آل عمران، ۱۵۹.
۱۶. توبه، ۵۱.
۱۷. تحف العقول / النص / ۲۳۸ / من كلامه ع في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر و يروى عن أمير المؤمنين ص ۲۳۷.
۱۸. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر اساطیر، سال ۱۳۷۵ ش، ج ۷، ص ۲۹۹۸.
۱۹. می‌دانیم که در علم فقه، تراحم میان دو واجب توسط علما به صورت مفصل بحث شده است و به طور خلاصه گفته می‌شود که در اینجا دو امر به انجام دو واجب وجود ندارد، بلکه یکی از واجب‌ها اولویت دارد و برد دیگری مقدم می‌شود. بنابراین یک واجب بیشتر نمی‌ماند و ما مکلف به امتثال امر هستیم.
۲۰. احزاب، ۶.
۲۱. إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. احزاب، ۳۳.
۲۲. من لا يحضره الفقيه / ج ۲ / ۶۱۰ / زيارة جامعة لجميع الأئمة (عليهم السلام) ص: ۶۰۹.